



السلام عليك يا محمد رسول الله

السلام عليك يا حسن بن علي

السلام عليك يا علي بن موسى الرضا

# السلام عليكم اهل البيت

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«السلامُ عَلَيْكُمْ يا أَهْلَ بَيْتِ النَّبُوَّةِ وَ مَوْضِعِ الرِّسَالَةِ وَ مُخْتَلَفِ الْمَلَائِكَةِ وَ مَهَبَطِ الوَحْيِ»

«سلام بر شما ای خاندان نبوت و جایگاه رسالت و محل رفت و آمد فرشتگان و جای فرود آمدن وحی»

کیفیت سلام گفتن در اقوام مختلف:

از جمله ی آداب اجتماعی در دین مقدس اسلام، موضوع «سلام» است، یعنی وقتی دو نفر مسلمان با هم ملاقات می کنند، پیش از هر رفتار و گفتاری به یکدیگر سلام می کنند، یکی سلام می کند و دیگری جواب سلام می دهد. البته، هر قومی ادب خاصی به هنگام ملاقات با یکدیگر دارند. بعضی به عنوان تعظیم خم می شوند، بعضی کلاه از سر خود برمی دارند، بعضی دست بلند می کنند و بعضی دست یکدیگر را می فشارند. تحیّات { درود گفتن، سلام گفتن } قوم عرب پیش از ظهور اسلام، گفتن «حیاک الله» بوده است؛ یعنی خدا زنده ات بدارد.

دین مقدس اسلام در این خصوص دستور سلام داده و هیچ گفته و کاری را جایگزین آن ندانسته و فرموده است: «هر که پیش از سلام، شروع به سخن کند، جوابش را ندهید»

# السلام عليكم اهل البيت

اسلام به اهل بیت { علیهم السلام } با چه نیت و معرفتی

معنای سلام، اعلام تأمین سلامت همه جانبه برای طرف مقابل است و این که هیچ گونه ضرر و زبانی از جانب من به تو نخواهد رسید و تو از ناحیه ی من در کمال امن و امان خواهی بود، بنابراین وقتی شخص زائر در حضور امام ایستاده و یا از دور آن حضرت را در خاطر خود تمثّل داده و او را مخاطب به سلام کرده است، باید در حالی باشد که هیچ صدمه و اذیت و آزاری از جانب او به آن حضرت، نه در آن لحظه و نه بعد از آن نرسد و از طرفی هم می دانیم تنها چیزی که موجب خوشنودی و رضایت خاطر اهل بیت رسالت { علیهم السلام } می شود، دین داری مردم و اطاعت آنان از اوامر و ترک نواهی خداوند است و تنها چیزی هم که موجب تنفر و انزجار آن انوار الهی می گردد و از آن آزرده خاطر می شوند، تخلف مردم از اوامر و ارتکاب نواهی خدا و آلوده گشتنشان به رذایل اخلاقی از جمله حرص و بخل و کبر و ریا و حسد و حبّ مال و جاه و نظایر این ها است.

احباء و اصفیاء خدا در راه حفظ احکام خدا و جلوگیری از ارتکاب محرّمات، تن به هر گونه مصیبت دادند و راضی شدند که عزیزانشان قطعه قطعه شوند و پردگیان حرمشان به اسارت بیفتند و سرهای خودشان بالای نیزه ها برود و استخوانهای سینه شان زیر سمّ اسب ها لگد کوب گردد، ولی به حلال و حرام خدا لطمه ای نرسد و دین خدا سبک نگردد و پرده ی حرمت قرآن هتک نشود، بنابراین انسان زائر، باید در حین گفتن «السلام عليك» از حیث فکر و اخلاق و عمل طوری باشد که مایه ی اذیت و آزار امام نباشد.

کاری از واحد پژوهشی- فرهنگی مدرسه علمیه حضرت

زینب (سلام الله علیها) - پاییز ۱۴۹۹



السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ،  
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلِيلَ اللَّهِ،  
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَبِيَّ اللَّهِ،

### یا رسول الله!

کار از شکوه و شکایت گذشته است!  
مطمئنیم که نظاره گری!

نظاره گر خون آشامانی که بنام شما اسم شهادت بگامتان ریختند و!...  
و اکنون دنباله های آنان نه به هیچ کس رحم دارند و نه مروت!  
هم آنان که سر بریدن انسان ها برای بچه هایشان باز یست کودکانه!

### آقای ما

در این غروب تمام خصلت های ستوده شده  
مارا بخودمان وامگذار

و این خونخوار انسان نمایی که نام دین شما را بسخره گرفتند  
وز حمات و مرارت های شما را بدنیافروشی هدر دادند

### ای رسول مهربانی و عطفیت

فرزندان ایرانی شما دست بر قبضه ی شمشیر و بغض در گلو منتظر شهادتند  
بر ایشان رحم مکن و دست انتقامت را از پرده ی انتقام برون آر  
تشنه ی خونشان شده ایم... ولی هنوز صبوریم و منتظر... .



السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ رَسُولِ رَبِّ الْعَالَمِينَ  
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ  
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ

### سلام، سینه شعله ور، جگر سوخته، پیکر تیرباران شده

سلام، امام غریب من!

آمده ام؛ با تمام دلم، با قدم های احساسم، با حضور هر چه تمام  
ارادتم.

آمده ام؛ تا فانوس های روشن اشک هایم را، بر مزاهر بی چراغت،  
بیاویزم!

### آمده ام؛ تا شریک غربت بی نهایت باشم

آمده ام- کیو ترانه آمده ام- تا از دستان مهربانت، آب ودانه بدهی!

آمده ام؛ با دسته دسته یا کریم های اخلاص و محبت، تا شاید  
لحظه ای در گنبد نگاه مهربانت، پناه بگیرم.



السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ رَسُولِ رَبِّ الْعَالَمِينَ  
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَلِيَّ بْنَ مُوسَى الرَّضَا أَمْرَتُنْضَى

وقتی صدای نقاره غروب های صحنه قدم هایم را میخکوب می کند، فریاد  
رضایم را در متن موسیقی محزون می شنوم و بغض شکسته ام را تقدیم  
دیدارمت می کنم.

رضای جان! دانه کدام انگور جرئت یافت که طعم ذلت مأمون را به کام تو  
بچشانند تا قبله هشتم را در صبر و لبخند خویش بنا کنی؟  
امروز، تنها نه خیابان های خراسان که تمام مرگ های عاشقانت، به گلدسته  
و برواقت ختم می شود.

خاطره سوزاندن جگرت، تا قیامت از ذهن خاک خراسان بیرون نمی رود.

منبع

<https://www.yjc.ir/fa/news/5928455>